

## عنوان مقاله:

راهکاری در حل منازعه (لیوتار و هابرماس) در مورد (زبان و اجماع عمومی)

## محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 12، شماره 47 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

## نویسندگان:

هادی آجیلی - دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

محسن سلگی - دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

## خلاصه مقاله:

ژان فرانسوا لیوتار، متأثر از لودویگ ویتگنشتاین و نظریه بازی های زبانی قایل به اصالت تکثر و تفاوت می شود. اما یورگن هابرماس به دنبال اجماع عمومی و سیطره کلیتی اندام وار بر جامعه است؛ هدفی که از نگاه ساختارگرایانه سوسوری به زبان توشه گیری می کند. این مقاله کوشیده است تا با نقد نگاه رادیکال لیوتار و نیز تفسیر وی از بازی های زبانی و سپس نقد هابرماس، با تعدیلاتی در نظریات این دو فیلسوف، به دیدگاهی بینابین میان آن دو برسد. در این رهگذر، بهره گیری از میانجی شانتال موفه، نظریه پیکارگرایی اجماعی، چالرز تیلور، ایده چندفرهنگ گرایی، به عنوان دو فیلسوف متأثر از ویتگنشتاین، مسبب تحقق آشتی آفرینی این مقاله میان دو دیدگاه لیوتار و هابرماس شده است. سوال اصلی این است که چه نسبتی میان تلقی ویتگنشتاینی از زبان و تلقی ضدویتگنشتاینی از زبان و اجماع عمومی وجود دارد فرضیه (مدعا) اصلی می گوید که این نسبت، ملازمه نیست.

## کلمات کلیدی:

اجماع، چندفرهنگ گرایی، پیکارگرایی اجماعی، کثرت

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/722609>

